

## لیلی و مجنون نظامی

بقیه از صفحه ۵۱۰ شماره ۷ سال ۱۷ ارمغان

در اشعاری که نظامی برای اوضاع آسمان سروده آیات ذیل در وصف

ستاره های مشهور ثوابت است که میفرماید .

برشه ره منزل کواکب	اجرام بروج گشته را کب
عیوق بدست زور مندی	برده زهم افسران بلندی
وانکو کب دیگپایه کردار	در دیک فلک نشانده افزار
نسرین برنده برکشاده	طایر شده واقع ایستاده
شعری بسیاقت یمانی	بی شعر باستین فشانی
مبسوطه بیک چراغ زنده	مقبوضه دو چشم زاغ کننده
سیاف میجره رنگ شم شیر	انداخته بر قلاده شیر
چون فرد روان ستاره فرد	بر فرق جنوب جلوه میکرد
بنشسته سریر بر توابع	نلک چه عجب بزیر رابع
توقیع سماکها مسلسل	گه رامج بود و گاه اعزل

آسمان شناسان باستان برای ثوابت مقیاسی فرض کرده و آنرا قدر نامیده اند و کواکب مرصوده را دارای قدر های مختلف که از یک شروع شده و بشش ختم میگردد دانسته اند از آنجمله پانزده اختر را از قدر یکم گفته و اسامی برای آنها کذا کرده بلکه مدتها پرستش برخی از آنها صرف عمر کرده اند.

**حکیم نظامی** - در این اشعار اغلب آنها را نام برده و بخوانندگان کتابش معرفی کرده که اینک بطور خلاصه مقصود ویرا در اینجاست:

۱ عیوق یکی از ثوابت مشهور و در شکل ممسک الاغنه از صور شمالی است عیوق را در انگلیسی کپلا گویند این شکل را قدمردی پیاده که بدستی عنان و بدستی تازیانه گرفته است توهم کرده اند یونانیان آنرا گاریچی آفتاب گویند و از این حیث مقامش را عالی دانند نظامی او را دارای دست زورمند و ازهم سران

و همه افسران اعلی و بلندتر دانسته است .

۲ نسر واقع اختر تابانست درشکل دیگپایه که آنرا شلیاق ولورا نامیده‌اند چنک رومی و کشف و سلحفاة نام‌های دیگر این شکل است نظامی قلک را دیکه که براین دیگپایه است گفته و در لطافت سفته‌است این ستاره را در انگلیسی ولیگا گویند که محرف واقع است .

۳ نسر طایر که در شکل عقاب و از صور شمالی است و در تابستان اغلب بالای سر دیده میشود این ستاره را در انگلیسی الطیر (۳) نامند که همان نام عربی است و عقاب را مرغی بال افشان فرض کرده‌اند .

۴ شعری یمانی که روشنترین ثوابت و معبود دنیای قدیم بوده در شکل کلب اکبر از صور جنوبی است این کو کب را در انگلیسی سیریوس (۴) نامند شعری نامی عرب در موقع شعر خوانی با تکبیر و هیمنه شعر خوانده و آستین می افشاند و آنند  
ه سماک رامح این ستاره که در انگلیسی ارکتوروس نام دارد بخوبی در حاشیه صفحه ۱۷۷ لیلی مجنون معرفی شده

۶ سماک اعزل - این ستاره را در انگلیسی سپیکا که محرف سماک است گویند و در حاشیه لیلی مجنون معرفی شده

۷ الفرد که در انگلیسی هم همین نام را دارد نیز بخوبی معرفی شده در خاتمه این مقال از آن استاد فرید وحید تشکر میکنیم که اصطلاحات بسیاری را که مدتها متروک شده و از زبان و بیان افتاده است باز حمت بسیار جمع کرده و در دسترس نسل امروزه کشور گذارده‌اند نظر اینکه اینجانب را نیز شبی با اختران راز گوئی و راز جوئی بوده و قصیده‌ای در آن باب گفته که تناسب بسیاری با موضوع این مقاله دارد خدمتتان ارسال میدارم و مقدمه ایرا که برای نواموزان مفید دانسته و نوشته‌ام نیز بر آن می افزایم .  
یک صفحه از آسمان

یکی از چیزهایی که انسان از قدیم الایام برای فهمیدن اسرارش در تکاپو بوده صفحه آسمان است که روزها در اثر تابش خورشید جهات تاب در

پیش روی بشر و شبها از تاثیر نورباشی ستارگان و مهتاب در جلوه نظر بوده است بشر هر وقت باسماں مینگرست آنرا بزرگ دیده و خود را درقبال عظمت آن کوچک می دید ظلمت زمین را با آسماں تابناک قابل مقایسه نمیدانست و در نظر خودش آسماں بزمین نمی مانست باخود میگفت چه نسبت خاکرا با عالم پاک همیشه فلک رفیع را با علو مرتبت و خاک پست را در حسیض مذلت می دید از این نقطه نظر میتوان گفت پرازمنطق دور نبوده اگر یکی از رجال برجسته ادوار پیشین خواسته بوسیله صرح مردم بر فلک تازد و نرد رفاقت یارقابت باشعراى آسماں بازد شاید تفکر و تحجیر سقراط در اوضاع آسمانی ایجاب نمود که ارستفون در آثار مسخره آمیز خود او را بابال بمردم نشان داد که بسمت آسماں در پرواز و برای شناسائی اوضاع فلک در تک و تازاست

بالاخره بشر برای فهم اوضاع آسمانی مجبور شد دست در دامان قوای خداداد خویش زند و بوسیله نور بینش و فروغ دانش نردبان بر فلک نهد با نقاط درخشان راز گوید و در راه معرفت ستارگان بوید اینک مختصری از نتیجه چند هزار سال زحمت اوست که در دسترس خوانندگان محترم می گذارم آسماں را علمای هیئت سه قسمت کرده اند ۱ سمت شمال ۲ منطقه البروج ۳ سمت جنوب

قسمت اول - برای آشنائی صور آسمانی دو چراغ درخشان دست قدرت در آسماں آفریده که بزرگترین راهنمای اهل فن بشمار می روند و آن دو چراغ عبارتند از واقع ( در مرداد و شهریور در سرشب در بالای سر دیده می شود ) و عیوق ( در مرداد و شهریور در بامدادان بالای سر دیده می شود ) این دو ستاره مدار خود را در دور قطب شمال بسر برده و طی می کنند و غالب شبهای سال دیده میشوند بطوریکه میتوان آنها را بدون غروب و افول دانسته و دو اختر سالیانه نامید عموماً بنظر می آید که آسماں با ستارگانش در هر شبانه روزی یکمرتبه از مشرق حرکت کرده بمغرب فرومی رود و از خطی که از بالای سر ما عبور می کند

می گذرد یعنی آسمان گوئی دور زمین می گردد حرکت آفتاب بطور بدیهی این مطلب را نشان میدهد ۴ ولی اگر ما ستاره قطب شمالی را بگیریم و از روی دقت نقطه نورانی شمال حقیقی را در نظر بگیریم می بینیم ستاره هائی در اطراف او گردش کرده و بدور کعبه قطب طواف می کنند و دایره وسیعی را که محیط آن متصل بزرگتر میشود گرداگرد آن قطع مینمایند .

کلیه ستارگان در هر شبانه روزی یکبار و اندکی بدور آسمان گردش میکنند ( این اضافه عبارت است از یک جزء از سیصد و شصت و پنج جزء از یک دوره ) بنابراین پس از ۳۶۵ روز کلیه اختران در جای یکسال قبل خود دیده میشوند که سیصد و شصت و شش گردش کرده یعنی ۳۶۶ بار دوره آسمان را طی کرده اند برای توضیح در مثال قبل توجه شود .

اگر ساعت نه از شب جای ستاره ابرا نشان کنیم در شب دیگر در ساعت هشت و پنجاه شش دقیقه عیناً مانند شب قبل آن ستاره دیده میشود بنا بر این چون چهار دقیقه را در ۳۶۵ روز ضرب کنیم آمدگی از بیست و چهار ساعت که یک شبانه روز است حاصل ضرب خواهد بود .

ب عبارت خیلی ساده شبانه روز حقیقی باشندگان زمین بیست و سه ساعت و پنجاه و شش دقیقه است دانستن موضوع فوق برای آشنا شدن بموضع ستارگان فوق العاده مفید میباشد و بوسیله آن فهمیده میشود که ستارگانی که نصف شب بالای سر ما هستند پس از سه ماه دیگر در ساعت شش بعد از ظهر در بالای سر ما دیده خواهند شد یعنی روزی چهار دقیقه از ساعت های ما تندتر رفته اند چنانچه گفته شد واقع و عیوق همیشه بدور قطب شمالی گردش کرده و برگاری بدور مرکز قطب بشمار میروند حال اگر قطب را مرکز دایره ای فرض کنیم اغلب چهار صورت از سور شمالی در چهار طرف آنست که سه تای آن پیداویکی از آنها در شرف غروب یا طلوع است صور چهار گانه عبارتند از ۱ دب اکبر ۲ الجائی ۳ لورا ۴ مملک الاعنه و همیشه با خطی که از قطب عبور کند میتوان اول و دوم یا سوم

و چهارم را بهم وصل نمائیم. این قصیده اثر طبع نگارنده ما را بشناختن دسته مهمی از صور آسمانی راهنمایی میکند خاصه اگر با توضیحات مربوطه با شمار نظامی در لیلی مجنون و ارمغان توأم گردد.

آسمان امشب صفای بیحدی داراستی / روشن و رخشان بسان لؤلؤ لالاستی  
گرد و ابر و مه ندارد پاک چون آینه است / عکس موجودات گوئی اندر آن بیباستی  
در شمالش قطب یا برجها و ثوابت همچو کوه / دنیا کبر گرد او گردنده و پویاستی  
هست الجائی سمت دیگرش اندر کوع / غرب و شرقش واقع و عیوق را ماواستی  
که کشان بالای سرد جلوه و در دلبر است / مرغ (۱) اندروی چو سیمرغ است یا عنقاستی  
هم عقاب تیز بر هم نسر طایر اندر است / در شمالش شکل قیقاوس (۲) و اژدرهاستی (۳)  
کرده از مشرق برون گاو فلک سر هم چو شیر / صورت پروین بر او بس خوش شکل و زیباستی  
قوس در دنبال عقرب سوی مغرب رهسپار / جدی و دلو و حوت پویا نیز بر بالاستی  
اسب باشکله غریبش میکند جولان بسی / شکل دلقینش شده با مال زیر باستی  
فکه و اکلیل و ذات الکرسی اندر ناز و غمز / زیر پای این سه شکل حبه الحواستی  
انصف شب آید برون جبار (۴) از سمت جنوب / کلب اکبر هر هوش با کوب شعراستی  
کلب اصغر نیز در دنبال آنان رهسپار / گویا صیدی برای خویشتن جویاستی  
هست بر ساوش چو غولی با کبر در شمال / چون ژبیر این جوانرا مهربان باباستی  
(اندر و میدا) که باشد چون زنی در سلسله / دخت کاووس است و بس خوش منظر و رعناستی

۱) مرغ که در عربی دجاجة گویند همیشه در خط کهکشان و نزدیک لورا واقع است

۲) قیقاوس مغرب کیکاوس فارسی پادشاه افسانه‌ای ایرانست گویا این شکل را منجمین ایرانی توهم کرده و بنام پادشاه خود نامیده‌اند

۳) لژدرما در عربی تیز است و بی دباکبر و دبا صغر واقع است

۴) جبار خوشگترین صور آسمانی و دارای ستاره‌های درخشان است در افسانه‌های یونانست که جبار بانوسک خویش (کلب اکبر و کلب اصغر) میخواست دباکبر را تنگوار کند این شکل را بر صورت مدی که شمیر بسته و صغری بردست گرفته روی مغرب نهاده و پایهای خود را برای جستن کج کرده توهم کرده‌اند این شکل همیشه در نزدیکی برج ثور و شکل زیبای پرهین جای دارد در ایران دریائیز بخوبی دیده میشود.

نهر اندر نیمروز است و روان در باختر  
 اندرین کشتی که گفتم ناخدا باشد سهیل  
 در کنار نهر زاغی گرم پرواز اندر است  
 اختران اندر چنین شب چون عروسان قشنگ  
 من که ذوق شاعری اندر نهادم کامن است  
 شاعران آسمان بر من ندیمان در شبنم  
 خانهام مهد علوم است و فنون بی شمار  
 باب من پر طریقت بود و قطب روزگار  
 مادر مرا شیر حکمت داده مامش از قدیم  
 از ریاضی خوانده ام علم حساب و هندسه  
 شیمی و فیزیک را با هیئت و علم فلک  
 وفق اعداد و علوم رمل و تکسیر حروف  
 از علوم اولیا صد شکر دارم بهره ای  
 شهرور ۱۳۱۶ ذرفول - سید صدرالدین ظهیر الاسلام زاده

نگارش عبدالعزیز

## گردشی در افلاک

دیدن وضع آسمان در پنجهزار سال گذشته و دو اژده هزار سال آینده  
 در امریکا چهار آلت ستاره نما در شهرهای نیویورک و شیکاگو و فیلادلفیا  
 و لوس آنجلس در رصدخانه های مخصوص هست که بعضی از آنها برای مردم  
 باز است از جمله رصدخانه نیویورک که بنام (هیدن پلانیتیریوم) شناخته میشود.  
 یک نفر که با جمعی بدیدن این رصدخانه و تماشای اجرام علوی رفته بودند  
 مشاهدات خود را در یکی از مجلات هفتگی نیویورک چنین مینویسد: - وقتی که  
 داخل شدیم یک اوطاق خیلی بزرگ و گودی را دیدیم که محیط آن مهیب  
 و خارق العاده بود. روی سر ما یک قبه سفید بی روحی بود که از دیدن آن روحا